

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
قالب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
بعد از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراک سالانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت یک نسخه)
در طهران صد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی استباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

چهارشنبه ۱۵ رمضان المبارک ۱۳۳۵ هجری قمری و ۶ ابانماه جلالی ۸۲۹ و ۲۴ اکتبر ۱۹۰۷ میلادی

انصاف جوئی و داد خواهی

(از شماره گذشته)

خوب تمام اینمطالب صحیح و ماستحق هر نوع عقوبت آیا تصور حدودی از برای خود نمیکند و خود را در عالم لاحدی سیار و سیاح میدانند تا کنون زیاده از هزار مکتوب شهری و داخله و خارجه با اداره ما رسیده و مسلم است که چندین مقابل آن بخود مجلس و مجالسین و سایر جراند رسیده یعنی تقریباً در ایران هر کس سوادى و شوری داشته این فقره را اظهار نموده که مجلس و وکلا حق مداخله در جزئیات و اجرائیات ندارند مانیز مکرر نوشته ایم تا این مجلس خود را محدود نماند بر محدود ساختن دیگران مرفق نخواهد شد همانطور که مداخله دولت در وضع قانون اسباب تخریب ملک و تجدید استبداد است همچنین مداخله مجلس در اجرائیات موجب تخریب مملکت و طواع کوبک منحوس استبداد است اینهمه قابل قبول برای آن بود که قوتین از یکدیگر تفکیک شود نه آنکه از عمارت ارک بر خواسته در عمارت بهارستان قل مکان نماید — حاصل آنکه شما باید بدانید که تمام ملت ایران بهیئت جامعه و کلمه واحد در گوشتان میگویند در جزئیات مداخله ننمایند آیا باز عبرت نمیگیرید و خود را محدود نمیسازید یا باز مجلسرا آلت ملاءبه قرار خواهد داد ؟

اما آنچه در باب توقیف فرموده اند که روزنامه جبل المتین را بایستی توقیف نمود الی آخر در جواب عرض میکنم ما شتر مرغ شنیده بودیم لکن مصداق خارجی آنرا زیارت نمیکردیم آخر یا بایند

شخص زیر بار شریعت نرود و طابق النعل بالنعل احکام شرع را پیروی ننماید یا با اصطلاح فرنگی مشرب بوده اعمال خود را با دستور ممالک متمدنه موافق سازد اگر شما خود را داخل در طبقه دوم میدانید پس این همه سنگ سینه زدن و باسم شریعت با مردم مدعی گرفتار شدنی ندارد و اگر از فرقه اول محسوبید پس مطابق کدام فقه و فتوی کدام مجتهد و بمذلول کدام آیه و مضمون کدام حدیث لب بتوایف روزنامه باز میکنید و نمره های آتیه که معلوم نیست تفسیر قران یا معانی احادیث یا فتوی علماء یا طب یا . . . در آنها نوشته میشود از طبع و نشر مانع میکردید ؟

گیرم که بقول شما نویسنده را عقیده صحیح نیست بسیار خوب یکنفر فرنگی یا از منی که عقیده اش قطعا بر خلاف اسلام است آیا میتواند بکماله در تجارت با فلاحت و هر امری که راجع بمذهب نباشد بنویسد پس بمحض آنکه بدی شخصی معلوم شود نمیتوان قلم و زبانش را حجر کرد بلی منتهی سخنی که بعد از هزار سریش توان گفت آنستکه بیانات چنین شخصی را قبل از انتشار باید ملاحظه کرده انگاه اجازه نشر داد که با اصطلاح این ایام (سانسور) میگویند و سانسور با آنکه دارای هزاران مضار است ربطی بتوقیف ندارد پس معلوم میشود چندین در اعمال پای بندی بقوانین شرع نیز منظور بعضی از شما نیست فقط تمام خیال متوجه قطع زبان ما است خواه مطابق شرع یا مخالف باعد — چه خوب فرموده جناب آقای آسید جمال الدین واعظ (خداوند نیامرزد آن کسیرا که روز اول کلام توقیف را بشماها تعلیم داده و اساس معاری را مقررزل ساخت)

همه این سی غرور نفوس ایران و بسیاری از خارجه میداند که این مشروطیت اثر بیانات پانزده ساله جبل المتین است وقتی مؤید الاسلام شروع بنشر این مطالب نمود که امثال شماها در دریای جهالت غوطه ور و از اوضاع عالم بکلی بی اطلاع و بی خبر بودید و اگر که مشروطه بکوش شما میرسید گمان میکردید یک همچو نیست جدید اختراع یادوائی است که تازه از فرنک آورده اند آن قدر جبل المتین نوشت و در زیر هزار پرده استتار شما را حالی کرد که این مشروطه چیست و چه اوضاع و چه دستکاهی است بخدا قسم هرگز فراموش نمیشود آن مقاله که در ایام تحصن ملت در سفارت انگلیس جبل المتین نوشت بشمار سیدوزبان ملت را گویا ساخت و راه کار و تریب مشروطیت را نشان داد و مکره این همان مردم بودند که نهایت آمالشان تشکیل یکدانه لنتخانه یا غزل و نصب فلان و بهمان بود آیا رو است این قسم در پامال ساختن حقوق چهارده ساله آن ستمی و کوشش نمائید و خود را در انتظار طور دیگر جاوه دهید؟ تا مردم مضمون این بیت را بر زبان جاری سازند (چه دیدم عاقبت گرگم تو بودی) آیا فراموش کردهاید در اواخر ریاست جناب صنیع الدوله چگونه قلوب ملت از شما منزجر بود و چه تلکرافهای سخت از داخله و خارجه شما میرسید آیا گمان کرده اید ما را از مضامین آن تلگرافات اطلاع نیست؟ خیر تمام سواد آنها در تردید ما جمع است لکن پاس شئون مجلس مقدس ما را از درج آنها مانع است آیا ترجمه روزنامه طیمس را نخواهید و از مضامینش عبرت نگر فتنید باز هم میگوئید احکام مجازات میدادیم چنین و چنان نمیشد و هیچ بغا طر خطور نمیدید که شما را حق مجازات دادن و اجراء قانون کردن و باجر آند طرف شدن نیست آیا هیچ فکر ملت هستید که بر سر اهل ارومیه چه میباید از حالت این دوروزه آسمان یاد میفرمائید — آیا علاجی برای اینهمه درد بیدرمان ملت نمیکنید — آیا ملت فارس را نظر توجه معطوف میدارید؟ آیا فقر و پریشانی ملت را پیش چشم عبور میدهید — آقای من فرض میکنیم یک نفر بر ضد مذهب اسلام خزا نخواسته سخنی گفت یا نوشت بالاتر از کتاب میزان الحق که نخواهد بود آیا احدی فریب این کتاب را خورده و از اسلام بمذهب عیسوی رجوع کرده و الله دین اسلام بقدری محکم و متین است که از هزاران امثال این کتب اندک ثلثه بدو وارد نمیاید

(انا ترلنا الذکرو انا له للاحفظون) ختیه راصحی است و دین را شارعی شما فکری برای این ملت بدبخت

که شما را وکیل کرده اند بنمائید و دردی از دلشان بردارید دین خدا بحرفی مرو شما پایمال نمیشود اگر هم احسانا میل دارند که صحبت از دین بفرمایند پس خوب است بعضی از آقایان چندی درس فرا گرفته از فقه و فلسفه دینی و حقایق اسلامی اطلاعی بهم رسانیده انگاه تصرف در آنها نمایند لا اقل معنی کفر و ایمان را درست بر خورده بپهمنند چگونه کلماتی موجب کفر است ساعتی در کتابهای تالیف سید اجمل مرتضی تامل نمایند و ملتفت شوند این حرفها که میزنند چه قدر مخفی است و تکفیر کردن کاری آسان نیست (مکتوب از شیر وان)

خدمت مدیر محترم روزنامه جبل المتین دام برکاته (کر مسلمانان همین است که بن میبینیم) . . . اگر قانون مشروطیت این است که این قبیل حکام خون خوار را مأمور سرحدات و ولایات کنند میتوانم عرض کنم که عنقریب چنان مستبدین پیش خواهند برد که شکستهای وطن پرستان ایران تا امریکا هم خواهد رفت رئیس پست و مرک شیروان که واقعا جوانی است و وطن پرست ملت دوست حکومت باین واسطه پامشارالیه دهن شده چند شب قبل چند نفر زن را از راه آب اسامحه داده و بخانه مشارالیه فرستاده معلوم است برای چه! از قضا چون رئیس مرک و پست چندی بود که ناخوش شده بجهت تغییر آب و هوا یکی از باغات خارج رفته بود و آن شب را در منزل نبود.

لهذا قتلین مایوس شده قدری اسباب بر داشته و رار کرده اند در این بین نوکرها بیدار شده یکی از زنانرا دستگیر می کنند همان ساعت مردی از پشت درختها بیرون آمده معذرت خواسته زنرا از دست نوکرهای نا فهم رها نموده است تا بعد چه شود هشت نفر از اهالی سرحد که تمام دزدان معروف هستند با اسامحه دور خود جمع نموده همین قدر میبینیم عصرها مشغول زین کردن اسبهای خود هستند (ایضا محفوظ) (وقایع نگار ما از اردبیل مینکارد)

تقی خان رشید الملک حکمران اردبیل بعد از مراجعت از قراجه داغ محض جلب منافع شخصی خود باتحاد چهار نفر که از تبریز آمده بودند انجمن ملی را برهم زده بعضی و کلارا مجبوس و برخی را خارج فقرا و ضعیفانرا پایمال ظلم نمود و بدون اینکه ملت انتخاب نمایند از جانب خود چند نفری را بقوه رهوه وکیل معین نموده و برای اجرای مقاصد خود انجمن تشکیل داده آفرین بر چنین انجمن (جبل المتین)

جناب رشید الملک بر فرض که این یکمشت رعایای

فقیر و ضعیف در دست، شما امیر و دستگیر همدند و راه چاره شان مسدود شد شما هم بهمدستی فرقه مستبدین در محکمه عدلیه طهران حاضر نشدید اما در محکمه عدل الهی که راه گریز نیست چه جواب خواهید داد اگر چه امید داریم سزای ظالمانی که کرده اید به یوم موعود نماند و مجازات محکمه عدلیه طهران را به بینید
(مکتوب از اسلامبول)

جناب مدیر حبل المتین تورا جسد بزرگوارت قسم میدهم عریضه این بنده مظلوم را در روزنامه خود درج نماند و ایسای امور ایران بدانند در اسلامبول چه قیامتی است

این بنده علی نام تبریزی در دو هفته قبل باده نگر دیگر وارد اسلامبول شدیم بعد از دادن تذکره در کمرخانه پنج نفر سر بز ما را دستگیر کرده به حبس بردند من تعجب کردم اینها از جان ما چه میخواهند چه خطائی از ما سرزده بیش خود خیال کردم شاید همراهان مرتکب خلای شد اند ولی آنها را هم میشناختم مردمان درستی بودند

خلاصه بعد از آنکه يك هفته در حبس در شهر غربت بسر بردیم و سه روزه مشغول کتبه و کاری بودیم پلیسها گفتند مقصیری نداریم سفیر شما امر کرده است معلوم شد غیر از ما هم بسیاری از اهالی وطن خراب گرفتارند بعد از ده روز ما را بردند پیش برادر سفیر اکبر خان که ما را استعطاق کند بر حیرتم افزود که آیا ما چه تقصیری کرده ایم که مستوجب حبس و استعطاق شده ایم بعد ماوم شد جناب سفیر بیایهالی اظهار داشته فدائیان ایران قرار گذاشته اند سلطان و شاه و مرا بکشند و اسباب ایرسواتی و فضیحت را برای ایرانیان فراهم نموده بلاخره هر کس خانگی داشت یا پولی مایه گذاشت خلاصه شد اما بنده و میرزا احمد نام تاجر چون بهرچکدام دسترس نداشتیم دوباره محبوس شدیم تا پس از چند شبانه روز از کتبه و کاری ما دشان سوخت و ما را مرخص کردند

در حقیقت خوب حقوق تبه ایران را حفظ میکند و پاس سمت های ولینمتمن را منظور میدارد آفرین بر غیرت و روحیت چنین سفیری !!

(مکتوب از بخارا)

خواهش از وزیر علوم یا معارف

(۱) قدغن چاپ و یا ترجمه کتب عالی را فرمایند (۲) اعلان فرمایند که ما کردانیکه برای تحصیل علوم بخارجه میروند مثل ما کردان ژاپونی مراجعت کنند و الا لا (۳) لفظ اقدامات لازم را

قدغن سختی فرمایند و اعلان بدهند که هر کس مزید لفظ مذکور را بزبان یا ورد زبانش بریده خواهد شد و هر کس در مکتوب و یا در روزنامه و یا در کتاب بنویسد دست نویسنده بریده خواهد شد برای اینکه این لفظ بسیار خائنانه را بیاد داده و بسیار طفلها را یتم گذاشته و بسیار زنهارا شوهر گذاشته و آبروی ملت را بیاد داده

..... امضاء محفوظ

(رفع تهمت)

در شماره (۱۰۸) شرحی راجع بتهمیدات حشمة الساطان حاکم قوچان درج گردید که مبنای آنها مکاتیب يك دو نفر اهالی آنحدود بود ولی از قرار مکاتیب متهمه که در این دو هفته بآداره رسیده معلوم میشود حکمران مزبور مرتکب عدل خلای نکرده و آنچه نوشته اند مبتنی بر اغراض شخصی بوده اینک بعضی استحضار خاطر عموم شرحی را که معزی الیه در اینخصوص بعنوان سؤال باجمن معدلت قوچان نوشته با جواب انجمن مزبور درج میکنیم و از سندرجات سابقه معدلت میخواهیم

(سؤال)

(انجمن محترم قوچان را اظهار میدارد)

در روزنامه حبل المتین یومیه نمره (۱۰۸) شرحی از قوچان نگاشته شده عین آن مشروحه را بانجمن محترم فرستادم ملاحظه نمائید اگر آنچه نوشته شده صحیح است و خلای ندارد که تصدیق نمائید و اگر چنانچه این مطالب را مرضین و مفسدین بآداره محترم نوشته و شبه کاری کرده اند و از اصل حقیقتی نداره که آنرا هم مراوم بدارید تارفع استیفاء بشود زیاده مطالبی نیست (حشمت الساطان)

(جواب)

وقایع نکار قوچان شرحی که بآداره محترمه حبل المتین یومیه داده در روزنامه درج فرموده اند که عدل از عموم اهالی قوچان شرحی از تمذیبات حضرت مستطاب اشرف والا آقای حشمة الساطان حکمران قوچان و کسبیر غله شکوه نموده اند این فقره از اصل خلای و محمول بر عرض است از حسن رفتار حکومت و اتحاد بملت و کلالی قوچان کمال رضایت را دارند در خصوص غله عین جنس است مذاکره دیگر نشده است مالیت جنس هنوز حواله نشده است (انجمن معدلت قوچان)

(لایحه انجمن همت)

از طرفی اعضای انجمن همت که بیاری و اتفاق عملجات اصطلب منمقد شده خدمت مدیر روزنامه مقدس حبل المتین عرض واستدعا میشود که قبول زحمت

فرموده در جریده فریده خودتان درج فرمائید که عرض از اجتماع و اتفاق ما مردمان که عمله اسطبل و مبراخور و کالکچی و جلو دار هستیم فقط حفظ حقوق بشری و تکمیل قواعد خدمت و نوکری و حفظ مراتب شؤونات آقا یان و راحت بودن ایشان است و در ضمن هم آنچه لوازم اتحاد و برادری و رسیده می بحال همد یگر و دانستن حدود نوکری و اسایش برادران است فروگذار تمائیم و طریقه اتحاد و مساوات را در عهده شناسیم زیاده عرضی ندارد

(تلگرافات مخصوص اداره)

(از شیراز باقیم کمیانی)

خدمت جناب مدیر محترم روزنامه جبل المتین طهران بواسطه فشار ظلم قوام و اولاد و بستگان و همراهی فوق العاده دولت و بعضی از و کلا کارفارس بجان و کارد استخوان رسیده در جریده مقدسه اعلان فرمائید که یا فورا قوام و اولادشرا از فارس و طهران تمیید نمایند که بر شوه فارس را معشوش نمایند یا عموما شهری و ایلات پناه ندهند بقتل مانده و قبول (. . . .) برادران وطن عزیز ما هم ما هارا معافی دارند و ملامت نکنند که ملت دیگر طاقت تحمل ظلم ندارند (عموم ملت فارس)

(جبل المتین)

ازین قضیه تازه ما را خبر نیست و از اصل مطلب اطلاعی نداریم لکن هیئت عموم ملت فارس از راه نصیحت عرض میکنند تا در مجلس صحبت از مדרجات جبل المتین و کلام از توقیف او است شمانامل کرده دعانمائید زیرا که وقت بعضی و کلاء محترم زیاده بر آن نیست که صرف مذاکره از مرقومات این روز نامه شود

(بران مملکت زار باید کریست)

(که فریاد رسرا ندانند کیست)

(لایحه تلگرافی از هنگام)

جبل المتین تحقیقا ماوم عدد جساتیکه نسبت بقرائت خانه و انجمن مقدس آزاد لکه شده از حرکات مجسمه ظلم و استبداد محمد بقر کلاقر و سبتد دیگر مسعود المعالمک بوده جناب در یابیکی روز دوم وقوع این واقعه هائله هکسته های سر لوحه را جمع کرده روی تخته دیگر کوبیده و بدست خود بسردر انجمن نصب کردند سپس در انجمن ورود نمودند لغت بر استبداد و مرتکبین فرمودند و برای اعانت ضمنا هم مبلغی برای صندوق (انجمن حامیان فقراء) که تازه تاسیس شده و زاده انجمن مقدس آزاد است فرستادند و جای تعجب است که پارچه که باسم مقدس مشروطه بر آن ترسیم بود کلاقر حرصش بر آورده قورت داده یا سوزانیده و مسقرند داشته است دعا

دارم عین این مخابر را درج فرمائید (مشروطه باد جاوید) (پاینده باد ایران) (امضا محفوظ)
تلگرافی از هربطهران - حجة الاسلام آقا سید عبدالله حضرت مستطاب احتشام الساطنه - و زارت خارجه جبل المتین فریب دوماه است از تدبیات جنرال فونسل که مال یتیمهای بی پدر را ضبط و آبروی این چند نفر زنده بی صاحب را پای مال میکند بمجلس و وزارت خارجه تا کرافات شکایات فردیم نتیجه حاصل نشد و از تشکیات فدویان مطلع شده از عدم اعتناء مجلس بمعر وضات فدویان جرئت پیدا کرده امروز زعیم الدوله میرزا مهدی بخان و حاجی صادق تاجر یزدی را بتوسط حکومت محلیه حبس کرده فدویان هم بمال و آبروی بخود ایمن نیستیم دیگر طاعت انتظار نمانده یا چاره عاجل بنمائید یا اذن بدهید بدولت دیگر ملتجی بشویم (عموم ایران یان مصر)

(جبل المتین)

تلگرافی آن برادران محترم بمجلس مقدس ارائه وناله جانسوز عیان مؤثر گردیده جنرال فونسل مصر مزول گردیده و شرش از سر ایران یان مظلوم کوتاه شد - اما حبس جناب د کتر زعیم الدوله ببقیده بعضی ضرر نداشته چرا که روز نامه نویس در ایران مهدور الدم است و باید (بدار زد) حاله کربکنید که تنها بحبس قناعت شده و بسر دار نرفته است

(اعلان)

یکتفر از منی معلم قدیمی که در زبان فرانسه ماهر و در ترتیب تعلیم آن استاد است از برای تدریس و تعلیم فرانسه حاضر است هر کس طالب باشد بمطبعه فاروس رجوع نماید

(اعلان)

هر کس يك جای قبض اسناد جسته باشد بیاورد دالان امیر دکان میزا عبدالله رفوگر برود مرده کانی را بگیرد

(اعلان)

کتاب (مار کو فرانسه و فارسی) (شمس طالع) (و نخست نامه) از ترجمه و تالیفات مانده ووس خان ملیک یانس در کتابخانه تربیت در مطبعه فاروس و در کتابخانه های معتبر دار الخلافه برای فروش موجود است

(اعلان)

د کتر استقبانیان حکیم مخصوص دندان سازی اعلی حضرت همایونی در خیابان علاء الدوله رو بروی خانه امیر نظام کارخانه دندان سازی خیلی ممتاز و مکمل باز نموده و قبول می نماید همه جور ناخوشیهای دندان را معالجه نماید بطرز وسیله امریکائی و همه روز صبح از ساعت هشت الی دوازده فرنگی و بعد از ظهر از ساعت دو الی شش فرنگی در محل معروض برای رجوع کنندگان حاضر است

(حسن الحسینی الکاشانی)